در نمایشگاه کتاب
مرور

آرمانشهر میلک

حورانژادصداقت
تهران امروز

عروس بید
نویسنده: یوسف علیخانی
نشر: آموت

داستان از آرمانشهری آغاز می‌شود که ابتدا ذهن با فارسی گویی‌اش کلنجار می‌رود تا خود را از زبان کتاب‌های فرهیختگان و مردم عامه دور کند. تصویرهای پیاپی، ایرانی بودن، به یاد آوردن بوی کهنگی قدیمی‌ها و همه و همه زبان را هم با اندیشه‌های پیشینی مان مانوس می‌کند. همان پارسی گویی است که به جای مترسک می‌گوید «هراسانه» و به جای تخم مرغ می‌گوید: «مرغانه». عادی نبودن زبان، زمانی بیشتر می‌شود که علاوه بر لغات جدید نظم معمولی ساخت جملات را نیز تغییر میدهد و آن را با ارائه‌های ادبی فراوان پیچیده تر می‌کند و بدون توصیف‌های طولانی تنها با چند صفت مناسب تمام بار معنایی و تمام جزئیات را بیان می‌کند. مثلا برای توصیف دست‌های زحمت کشیده مرد روستایی می‌گوید: «دست سختش را فشار دادم.»

یوسف علیخانی در کتاب عروس بید از دغدغه‌های شهرنشینی روستااندیش نوشته است. برای آرمانشهری که میلک نام دارد و در حوالی قلعه الموت. میلک جایی نیست که راوی به تنهایی از آرزوها و ترس‌ها و شادی هایش بنویسد. میلک گویی آدم‌هایی را با خود به همراه آورده است که از ایرانی می‌گویند. ایرانی‌هایی که ساده زندگی می‌کنند و اگر بخواهند پیچیده. در ابتدای مجموعه راوی پناه بر خدا می‌گوید تا برود و جایی جز میلک را تجربه کند و از قضا اسیر می‌شود. اسیرِ روستایی به نام اسیر که ظالم کوه و سیاه کوه خیالی او را در مهی غلیظ گم کرده اند. و او در این سکوت تاریک با پری مواجه می‌شود. گویی قصد دارد گمشده‌ای از خودش را میان اسیری‌ها پیدا کند. گمشده‌ای که گمان می‌کرد میلک نمی‌تواند به او بدهد.

اما پری هنگام به دنیا آوردن فرزندی از مرد عصیان کرده از دنیا می‌رود. و پری دیگری میل ازدواج با او را دارد که او نیز از دنیا می‌رود و شاید ماندن میان اسیری راهی بوده است تا مرد بیندیشد و پیش رود و در قصه آخر زن تنهایی که گمشده اوست به میلک باز گردد. جایی که دیگر کسی نیست جز امامزاده‌ای پابرجا بر بلندی و زنی تنها که فرزندش را در پناه درختی که تکیه گاه او می‌شود؛ تولدی دوباره می‌بخشد.

اگرچه سه گانه یوسف علیخانی تمام شده است اما تولد در میلکی ساکت و آرام نشان می‌دهد که این آرمانشهر زنده خواهد ماند. موضوع بسیاری از داستان‌های او برگرفته از سنت‌های کهن ایرانی است. سنت‌هایی که غبار بزرگ شدن‌های گاهی بیهوده آن را به فراموشی سپرده اند. ولی ما هم از تولد نوزادی در میلک می‌توانیم امید داشته باشیم که رسوم و زبان ایرانی نامیرا خواهد ماند.

علیخانی در این سه گانه برای خود وطنی ساخته است که لحن و زبانش را وام گرفته از زبان دیلمی می‌داند و در کل نسبت به دو مجموعه پیشنش بسیار روان تر و ساده تر می‌نویسد. وطن ساختن او و نسبت دادن تمام شخصیت هایش به انسان‌هایی که برای یک روستا هستند، موجب نمی‌شود تا از مجموعه داستان او به ادبیات اقلیمی برسیم. زیرا او به نحوه زندگی و اندیشه‌های یک منطقه خاص خود را محدود نکرده و بیش از آن که همه چیز بخواهد واقعی باشد، نمادین است و باید در جست وجوی معانی عمیق آن‌ها باشیم.

اما گویی نویسنده از فضای شلوغ شهر تنها قصد داشته است که آرمانشهری خیالی برای خود بسازد و تمام دوست داشتنی هایش را که چه شخصی‌اند و چه برای زنده نگهداشتن هویتی ملی در ذهن او خلق می‌شود، در آن جا بپرورد. او از مقدساتی می‌نویسد که ذهن بسیاری از مردم را به خود درگیر می‌کند و حتی پایه‌های زندگی شان را بر آن بنا می‌کنند. عناصر دینی چه آشکار و چه ضمنی به شدت در داستان‌های او حضور دارد.

و این با ایرانی بودن ما کاملا سازگار است. تغییر مداوم زاویه دید و نوآوری در موضوعات بیان شده اثر او را از بسیاری داستان‌های تکراری امروز کاملا متمایز می‌کند.

ایران ۱۴۰۴ در نمایشگاه ۲۳

انتشارات مرکز تحقیقات سیاسی علمی کشور در سومین دوره حضور خود در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، پنج کتاب از مجموعه آینده‌نگاری فن‌آوری ایران ۱۴۰۴ را در حوزه‌های زیست فن‌آوری، اطلاعات، دریا و هوافضا عرضه می‌کند. مدیر انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور درباره این مجموعه گفت: این مجموعه که اسفندماه منتشر و در همایشی با حضور هزار نفر از استادان دانشگاه‌ها و متخصصان رونمایی شد، تحلیل آینده‌پژوهی برای تعیین چشم‌انداز فن‌آوری کور در سال ۱۴۰۴ است. حسن چشمی افزود: یکی از شرایط موفقیت در دنیای پرچالش امروز و کاهش احتمال رویارویی با شکست، توانایی طراحی برنامه‌ها و راهبردهای انعطاف‌پذیر برای آینده است از این‌رو پرداختن به علم آینده‌پژوهی و استفاده از این دانش فن‌آوری در آینده‌نگاری برای اخذ تصمیم‌های درست و به‌موقع در مواجهه با وقایع آینده بسیار سودمند خواهد بود.

گفت‌وگو با رویا شاه‌حسین‌زاده

مخاطب دچار بحران شعر است

مجموعه «قرمز همیشه انار نیست» نخستین مجموعه شعر مستقل رویا شاه‌حسین‌زاده است که حاصل تجربیات نخستین شاعری‌اش است. از زبان وی می‌خوانیم: نمی‌دانم شاید همه ما مادرزادی شاعر بوده‌ایم ولی طبعا آنچه می‌توان از آن برداشت حداقلی‌ای از شعر داشت مربوط به این اوایل دهه ۷۰ بود. آن روزها این حس در من جوانه زد که حرف‌هایی دارم که نمی‌توانم با دنیا در میان بگذارم و باید در گوشه‌ای آنها را پنهان کنم. اینطور شد که می‌نوشتم و پنهان می‌کردم. بعدا فهمیدم آنچه پنهان می‌کردم، شاعری‌ام بوده و به همین سادگی قضیه برایم جدی شد.

مهرداد نصرتی
تهران امروز

چقدر اعتقاد به تحمیل تئوری بر شعر دارید؟ این را به این دلیل می‌پرسم که شعر امروز در بسیاری از حوزه‌ها تبدیل شده به محملی برای توجیه تئوری‌هایی که بومی‌زبان نیستند و اصرار به ساختن شعر بر مبنای آنها صرفا نوعی لجبازی زبانی را می‌رساند.

من اصلا اعتقاد به شعرسازی بر مبنای تئوری ندارم البته معتقدم که شاعر باید با تئوری‌ها آشنا باشد و این تئوری‌ها در ناخودآگاهش درونی شده باشد تا به‌نفع شعر از آنها بهره گرفته شود؛ به‌عبارت دیگر تئوری‌ها باید در خدمت شعر باشند نه برعکس.

ما شعر نمی‌گوییم که مبانی تئوریک نقد ادبی توجیه شود. مظروف همیشه مهم‌تر از ظرف است و در شعرهای فرمالیستی تاکید بیش از حد بر فرم باعث فدا شدن و از دست رفتن محتوا می‌شود. پرداخت به ساختار تا جایی اهمیت دارد که به حذف محتوا نینجامد و اتفاقا باعث تعالی آن شود.

معیار تشخیص یک شعر را از غیرشعر در چه می‌دانید؟ بگذارید در اینجا هم توضیحی بدهم. در بحبوحه مطرح شدن مباحثی چون بحران مخاطب شعر امروز در نیمه دوم دهه ۷۰ (که دامنه آن تا امروز هم کشیده شده)، آن هم از طرف کسانی که اصرار در ارائه کارهای فرمی و اصرار بیشتر به درک نشدن‌شان توسط مخاطب داشتند، شعر با عنوان هنر ۳۰۰ هزار تومانی تقریبا به سخره گرفته می‌شد و این ۳۰۰ هزار تومان مبلغی بود که می‌شد با آن مجموعه شعر چاپ کرد. منظورم درست در همین جاست. شعر با یک قیمت مشخص چاپ می‌شود بدون اینکه ممیزی خاصی در زمینه شعر بودن یا نبودن آن صورت بگیرد. یعنی مهم نیست اثرت شعر باشد یا نه. اگر پول چاپش را داشته باشی شاعر می‌شوی؟ نظر شما چیست؟

معیار تشخیص شعر از غیر شعر را در اقبالی که مخاطب به آن دارد، می‌توان دید البته توضیح بیشتری لازم دارد. در تعریف فصاحت و بلاغت خوانده‌ایم که کلامی فصیح و بلیغ است که عام آن را بفهمد و خاص آن را بپسندد. طبعا هر طرف این معادله وجود نداشته باشد، می‌توان به آن شک کرد. منظور من هم از مخاطب هر دو طیف یاد شده است.

یعنی اثر باید به حدی برسد که هم مخاطب عام با خواندن آن لذت ببرد و هم مخاطب خاص البته طبعا یک اثر و در اینجا شعر به‌طور خاص باید اثری چندلایه باشد (بدون رویکرد معماگونه و تصنع تعمدی) که اگر لایه سطحی و اولیه آن، مخاطب عام را درگیر کرد، سطوح زیرین و لایه‌های درونی‌تر شعر، مخاطب خاص را نیز قانع کند. اگر این موارد با اغماض نگریسته شود، بی‌شک این شعر است که در جذب مخاطب موفق عمل نکرده و نمی‌توان مخاطبان را متهم به درک نکردن شعر کرد؛ به‌واقع این شعر نیست که دچار بحران مخاطب است بلکه امروزه مخاطب دچار بحران شعر است.

اما در مورد بخش دوم سوال شما باید بگویم سوال‌تان هوشمندانه است و جوابش را در خود دارد. حق با شماست. شعر در مقایسه با بسیاری از هنرها، هنر ارزانی است و خود این مسئله، اولین دلیلی است که ما این همه شاعر (در مفهوم افرادی که صاحب کتاب شعر هستند) در جامعه داریم که در بسیاری از موارد، ممیزی حداقلی هم روی آنها صورت نگرفته مگر اینکه ناشر این کار را کرده باشد که دلایل خاص خود را دارد و آن هم بستگی به این دارد که خود ناشر چقدر با شعر آشنا باشد یا اینکه برایش مهم باشد که کتابی که چاپ می‌کند در زمینه شعر است نه گیاهان یا پزشکی.

البته چون ما اینجا داریم درباره شعر بحث می‌کنیم، کتاب‌های این حوزه را برجسته می‌کنم و این به‌معنی انکار و عدم لزوم چاپ و نشر کتاب در حوزه‌های دیگر نیست.

یعنی اگر هزینه چاپ و نشر کتاب بالاتر بود ما با بحران کمتری روبه‌رو بودیم؟

نه، چون همین اینترنت که امروز فراگیر شده اتفاقا شاعری را عام‌تر کرده و هر کسی می‌تواند بدون پرداخت هزینه‌ای کارهایش را در معرض دید عموم قرار بدهد و هیچ‌گونه ممیزی و مرزی هم برایش وجود نداشته باشد.

آیا شما فقط در زمینه شعر فعالیت می‌کنید؟ این را برای این می‌پرسم که من در زمینه تصویرگری هم آثاری از شما دیده‌ام.

بله، درست است که شعر مهم‌ترین دغدغه من است ولی خالی از دغدغه‌های دیگر نبوده‌ام. درست می‌گویید در زمینه تصویرگری و نقاشی کودک و نوجوان سال‌هاست که در کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان مشغول به کار هستم و نمایشگاهی هم در این زمینه برگزار کرده‌ام و در ماه آینده نیز نمایشگاه دیگری با موضوعیت تصویرگری ترانه‌های آذربایجان برگزار خواهم کرد که مقدمات آن انجام شده است.

در سالی که گذشت، جشنواره‌ای با عنوان مهر مبین در استان اراک برگزار شد که من در زمینه تصویرگری قصص قرآنی برای کودکان رتبه دوم کشوری را به‌دست آوردم.

برگردیم به شعر. شما چه شعری را بیشتر دوست دارید؟

شعری که اندیشه و عاطفه‌ام را درگیر کند و زندگی را از زاویه‌ای نشانم بدهد که قبلا از آن زاویه نگاهش نکرده بودم.

چه چیزی بیشترین تاثیر را بر شما و شعرتان گذاشته است؟

زندگی با تمامی تلخی‌ها و شیرینی‌هایش همیشه بزرگ‌ترین معلم من و الهام‌بخشم بوده است. از دردها و رنج‌های آدمی الهام گرفتم و البته بیشتر زنان. شما که خودتان شاعرید بهتر می‌دانید من چه می‌گویم.

بسیاری شعرهای شما را شعری زنانه می‌دانند یعنی شعری که مشخص است شاعر آن یک زن است و این زن بودن نتوانسته شعری فراجنسیتی پدید بیاورد. این نکته را تا چه حد می‌پذیرید.

شعری که یک زن می‌گوید اگر واقعا از درون او برآمده حاصل تجربیاتش باشد، باید هم شعری زنانه معرفی شود. البته زنانگی چیزی نیست که بشود با سنجاق به سینه شعری الصاقش کرد و اگر اینچنین باشد تصنعی بیش نخواهد بود اما وقتی خیلی طبیعی اتفاق بیفتد یکی از نکات مثبت یک اثر محسوب خواهد شد.

شما یک فرد فرهنگی هستید آیا از شغل تان در کانون پرورش فکری راضی هستید و محیط کار اجازه کافی به شما می‌دهد که به دغدغه‌های هنری و ادبی تان بپردازید؟

کارم را دوست دارم اما ترجیح می‌دادم در فضای سابق باشم یعنی بخش ادبی. آنجا فرصت بیشتری برای پرداختن به دغدغه‌های خودم را داشتم و هم اینکه حس می‌کنم حضورم در شکل‌گیری شخصیت ادبی بچه‌ها تاثیر مفیدی داشت. متاسفانه به دلایلی فرصت حضور در آن فضا از من گرفته شد اما خاطرات و تاثیرات آن حضور تا همیشه با من است.

چه چیزی بیشتر از هر مضمون دیگری شعرهایتان را درگیر می‌کند و چرا؟

فکر می‌کنم عشق و مرگ. دلیلش شاید تجربیات شخصی‌ام باشد ولی فکر می‌کنم انسان با همین دو درگیری زندگی می‌کند و دغدغه همه ماها همین دو مضمون است. عشق به هستی، آدم‌ها، خداوند و مرگ که همیشه بین ما و عشق‌هایمان فاصله ایجاد می‌کند.

به فکر و اندیشه مجموعه‌های دیگری هم هستید؟

بله، در حال آماده‌سازی مجموعه دومم هستم که ۲۵ اثر از شعرهای سال ۸۸ را دربرمی‌گیرد. همچنین دارم روی ترجمه شعرهایی از شاعران زن ترکیه کار می‌کنم.

شمارش معکوس
نمایشگاه کتاب

مدیریت تبلیغاتی با رویکرد کتاب

دنیا عزتیان
تهران امروز

کتاب چه موقعیتی در کشور ما دارد؟ این سوالی است که همه آنهایی که دغدغه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و در یک کلام آرزوی رشد و کمال این کشور را در دل دارند، باید پاسخی اساسی برای آن پیدا کنند. تجربه جهانی نشان می‌دهد که رشد و توسعه تمدن‌ها، ریشه در رشد فکری و فرهنگی هر جامعه دارد و بدون رشد فرهنگ کتابخوانی در جوامع، نمی‌توان به رشد هیچ تمدنی دل خوش کرد.

برای همین باید مدیریت واحدی جدا از معاونت فرهنگی ارشاد که کار نظارت و تولید را برعهده دارد، باشد تا به امر مهم تری در زمینه کتاب یعنی توزیع و تبلیغ توجه کند چرا که عرضه همیشه وابسته به تقاضاست و تقاضا بدون اطلاع‌رسانی و تبلیغ تولید نمی‌شود.

البته اقدامات خوبی از طریق معاونت فرهنگی ارشاد در زمینه اطلاع رسانی صورت می‌گیرد که اخبار پیاپی خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) و سلسله جلسات سرای اهل قلم خانه کتاب از آن جمله‌اند. این فعالیت‌های درخور تحسین اما، اگرچه لازمند ناکافی به نظر می‌رسند و برای آن همین دلیل بس که از ۵۳ هزار عنوان کتاب منتشره در سال خبرگزاری تنها می‌تواند نزدیک به هفت هزار عنوان آن بپردازد آن هم اگر روزی بیست کتاب را معرفی کند!

بنابراین باید تاکید کرد که علیرغم رشد رسانه‌های گوناگون جمعی تاکنون هیچ رسانه‌ای به خصوص تلویزیون و رادیو نتوانسته است نقشی را که کتاب در رشد تمدن‌ها داشته است، ایفا کند.

هر سال همزمان با نمایشگاه کتاب تهران دوربین‌های شبکه‌های مختلف صدا و سیما در نمایشگاه حاضر می‌شوند تا به اطلاع رسانی در زمینه رویدادهای این بزرگ‌ترین حادثه فرهنگی بین‌المللی سال بپردازند. پس از آن پرداختن به کتاب غبار فراموشی می‌گیرد تا سال آینده و نمایشگاهی دیگر. جز اشارات گهگاهی که در برنامه‌های اندک ادبی یا برای مثال دو قدم مانده به صبح می‌شود که آنها نیز بر مبنای برخی ارتباطات مجریان یا برنامه سازان با بعضی از اهالی قلم است و رسمیت ندارد و البته فایده نیز.

از این روست که لحاظ کردن مرکزی در خور کتاب و با رویکرد تبلیغاتی فرهنگی ضروری‌ترین بخش از چرخه کتاب است که به تبع آن کتابخوانی نیز گسترش پیدا خواهد کرد.

دو هفته دیگر نمایشگاه کتاب تهران افتتاح می‌شود و علاقه‌مندان بسیاری برای بازدید و خرید به آن مراجعه می‌کنند اما آیا این سیل مشتاق درباره کتاب‌های تازه نمایشگاه و آثار مورد نیاز خود همان‌قدر می‌دانند که برای مثال درباره شخصیت‌های یک سریال طنز تلویزیونی؟

بر مسئولان صدا و سیماست که با دلسوزی بیشتر در زمینه تبلیغ کتاب از همین حالا به روشنگری و اطلاع رسانی در زمینه نمایشگاه کتاب اقدام کنند تا مراجعه کنندگان دچار ازدحام کمتری برای یافتن کتاب‌ها شوند به‌ویژه اینکه امسال به دلیل آماده نبودن محل‌های سرپوشیده مصلا که نظیر دوسال گذشته، محل برگزاری نمایشگاه کتاب امسال است اکثر غرفه‌ها زیر چادر دایر خواهند شد که مشکلات تردد بازدیدکنندگان را دوچندان خواهد کرد.

امید که با یاری بیشتر تمام مسئولان فرهنگی و مدیریت صحیح در زمینه تبلیغات کتاب، این رسانه مکتوب دوست‌داشتنی از غربتی که دچار آن است درآید.

جدول امروز

علی‌رضا سجادی‌فر

جدول کلمات متقاطع

شماره ۱۹۵
متقاطع

افقی

۱ - سنگ‌عیار - بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی اروپا - همانند
۲ - کنایه از اوضاع درهم و برهم معنای این ترکیب فارسی است - قضاوت
۳ - صفت عدد - از ماهی‌های خوش‌خوراک - ماردوش شاهنامه - برگ برنده
۴ - شجاع - شدیدتر از نسیم - در فارسی به معنی بهانه به‌کار می‌رود
۵ - رئیس شدن - عنصر رادیواکتیو گازی‌شکل - سرسبز
۶ - عدم حضور - بازداشتن - گوزن کوچک جثه ایرانی
۷ - با این شخص شوخی نکنید - ایالت ببرخیز هندوستان - تنباکو
۸ - ورودی هر حریم - سحر و افسون - قطعه ضروری برای روز مبادا - پسوند فاعلی ترکی
۹ - پر کردن - وسیله - خوردن
۱۰ - ملازم عروس‌خانم‌ها در قدیم - بزرگ‌ترین جزیره فرانسه - قراردادی که طبق آن یک‌طرف تعهد می‌کند در برابر دریافت اجرت معینی از طرف دیگر، زیان وارده به او را در اثر حوادث احتمالی جبران کند
۱۱ - بازیکن خودی در تیم - صبحانه نخورده - همجوار
۱۲ - دلاوری - قلمه درخت - خانه‌های ریز عکس
۱۳ - بندگاهی در دست - بانی سلطنت مغولان در هند - ظرف غلات و حبوبات - حرف نفی عربی
۱۴ - شهری در استان اصفهان - بخشندگی و سخاوت
۱۵ - فرومایگی - هم نبرد - مهبوت از کیش

عمودی

۱ - پرتوان - مفارقت - طنابی از الیاف نخل
۲ - باربری - مجموعه شعری از سهراب سپهری
۳ - رودی در فارس - شورشی - نگاه و نظر - نه تهپیاز و نه سرپیاز
۴ - اولین بهره‌بردار نفت ایران - بندر مادربزرگ در عربستان - وصف هوای بارانی
۵ - پول خارجی - درخشنده - پشیمانی
۶ - ماده مترشحه از حبوبات پخته - مکانی در زندان‌ها - نویسنده
۷ - اندازه و تعداد - دستگاهی در شکم - لایه حاوی موادمعدنی
۸ - صدمتر مربع - آگاه و مطلع - مسدود کردن - بوییدن
۹ - ضربان و تپش - دالان - نمایان
۱۰ - کتاب زکریای رازی - خو و عادت - مرض لاعلاج
۱۱ - پایتخت اشکانیان و ساسانیان - بزرگداشت - قسمت
۱۲ - نخجیر - زوج - عالمی که در علم فقه به درجه اجتهاد برسد
۱۳ - آب روستایی - برادری - گل باغچه‌ای دارای گل‌های درشت و پربرگ - زهر
۱۴ - اثری از گالزورثی، نوبل گرفته در سال ۱۹۳۴ - پایتخت جزیره مالت
۱۵ - دعوت به سکوت - پایتخت فیلیپین - تیراندازی کردن

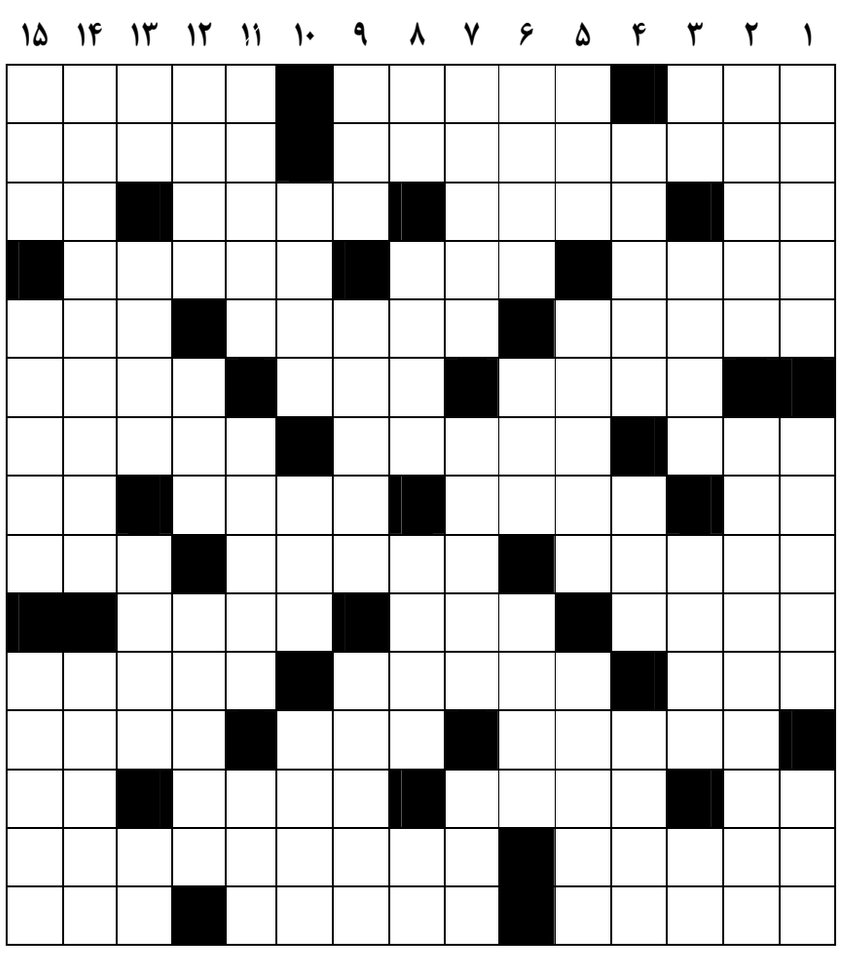

جواب
شماره ۱۹۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	چ	پ	پ	ا	■	ا	م	ل	ت	■	ا	ل	ا	م	د
۲	س	ر	ی	ر	■	ر	ه	د	م	ا	ن	ب	ز	ر	گ
۳	ب	ت	■	ا	ن	س	■	د	ا	ن	ت	ه	■	ی	ن
۴	■	و	ا	ر	د	ا	ت	■	م	ی	خ	■	ک	م	ک
۵	ق	ا	چ	ا	ر	■	ن	ت	■	س	ا	ق	ی	■	■
۶	ن	ف	ر	ت	■	ن	گ	ی	ن	■	ب	ر	و	چ	ن
۷	د	ش	ت	■	ب	ا	س	ک	و	ل	■	ا	ی	ن	ک
۸	ه	ا	■	ع	ا	د	ت	■	ش	و	ک	ر	■	گ	ر
۹	ا	ن	ب	ر	■	م	ا	ل	ی	ا	ت	■	گ	ل	و
۱۰	ر	ی	و	ا	س	■	ن	ا	د	ر	■	م	ر	ا	م
۱۱	■	ت	ق	ر	ب	■	ت	ن	■	ت	ل	ی	س	■	ه
۱۲	م	ح	و	■	ب	و	ش	■	ی	و	ن	ی	س	ف	■
۱۳	ح	ی	■	س	ا	د	ا	ت	■	ا	ن	گ	■	ا	ش
۱۴	ف	ل	ک	ا	ل	ا	ف	ل	ا	ک	■	ر	ح	ل	ت
۱۵	ل	ه	ا	س	ا	■	ی	و	ن	س	ا	■	ت	س	ر

جدول سودوکو

شماره ۱۹۵
سودوکو

از ۱ تا ۹ را طوری در این جدول ۹ در ۹ قرار دهید که هیچ عددی در ستون‌ها و ردیف‌ها و همچنین در هیچ کدام از مربع‌های ۳ در ۳ تکرار نشود.

		۲	۶		۱			۵
	۳			۸				
	۸					۹		۳
				۲	۸			
	۶					۴		
			۹	۴				
۹	۷					۲		
					۴	۳		
۴			۱		۷	۵		

جواب
شماره ۱۹۴

۸	۷	۹	۱	۶	۵	۲	۴	۳
۳	۲	۵	۸	۷	۴	۹	۶	۱
۱	۴	۶	۳	۹	۲	۸	۵	۷
۲	۶	۱	۹	۸	۷	۴	۳	۵
۵	۳	۴	۶	۲	۱	۷	۹	۸
۹	۸	۷	۴	۵	۳	۱	۲	۶
۴	۵	۸	۷	۳	۹	۶	۱	۲
۷	۱	۲	۵	۴	۶	۳	۸	۹
۶	۹	۳	۲	۱	۸	۵	۷	۴